مقدمه: اهمّیّت تراث علماء

این یک مطلب طلبگی در ذهنم است، در بحث‌های شفاهی علماء چیزی نیست که گفته نشده باشد. اما متأسفانه بحث‌های شفاهی همه جا پیاده نمی‌شود. در مدوّنات هم ما به‌دنبال آن نمی گردیم. آنهایی که تدوین شده قدرشان دانسته نمی‌شود.

خدا رحمت کند مرحوم آقای علاقه بند را؛ آن استاد بزرگ یزد را؛ ایشان با لبخند خودشان زیاد این را می‌فرمودند؛ می‌فرمودند همیشه هر «اقول» در اصل «قال» بوده! مطلبی بود!

حاج آقا چند بار از مرحوم آقای نهاوندی نقل می‌کردند. شاگرد شیخ. چند نهاوندی داریم. ایشان باید آمیرزا علی آقا باشند. ایشان خیلی به شیخ عقیده داشتند. مثل آمیرزا حبیب الله رشتی. ایشان هم شاگرد شیخ بودند و عقیده‌شان به شیخ خیلی بالا بود. صاحب کفایه در کفایه آورده بودند؛ آن حرف خودشان نبود، حرف آمیرزا حبیب الله رشتی بود؛ «لمن وه تالی العصمه». آمیرزا حبیب الله این را برای شیخ آورده بودند. آقای نهاوندی هم همینطور بودند. حاج آقا می‌فرمودند آقای نهاوندی می‌گفتند استاد ما اشکال واضح که ندارد. خیالتان راحت باشد! اگر یک کسی در جای اشکال واردی به استاد ما گرفت در جای دیگری از خودش گرفته است! یعنی شیخ همه جا همه حرفی را نزده. از یک جای دیگری از خود شیخ مطلب را گرفته و از آن برای اشکال گیری به شیخ استفاده کرده است. این حرف آقای نهاوندی است. ولی کلی حرف این است که قدر تراث دانسته شود.

تراث علماء و هوش مصنوعی

لذا من سفارشی کردم به آقایانی که می‌خواستند هوش مصنوعی را در این مطالب بیاورند. سفارش من این بود که مهمترین چیزی که می‌تواند آن را پربار کند مراجعه به تراث علماء است. باید این تراث تحلیل شود و بررسی شود. زحمات دیگران لوث نشود و خاک نخورد.

تراث علماء در مسئله قرائات

من در مباحث قرائات هم عرض کردم. یکی از ناراحتی‌هایی که در ذهن من هست، این است؛ بعد از مدتی که مشغول بودیم الآن در ذهن من طلبه یک تراث عظیمی مشهود است که به‌خاطر یک چیزهای علمی مختصر که می‌توان آن را با بحث صاف کرد، این تراث فعلاً خاک می‌خورد. اصلاً از آن استفاده نمی‌شود. و حال آنکه تراثی است! وقتی در چند جلسه مبادی آن صاف شود می‌بینند عجب! چه دم و دستگاهی داریم و چقدر می‌توانیم از آن در مجالهای مختلف استفاده کنیم و نمی‌کنیم. منظور اینکه قدر این تراث نباید از ذهن ما کم شود.

تنظیر: لوح الواقع اوسع من لوح الوجود

حال خاطره‌ای از کتاب «بحوث» بود که جلوتر‌ها راجع به بحث نفس الامر می‌گفتم. شبیه آن در این بحث شد.بحث اوسعیت نفس الامر که تکرار می‌شد، حالت واهمه انفراد داشتم. خودم یادم هست که حالش به این صورت بود. تا اینکه در جلسه‌ای گفتم این خیلی متعارف و کلاسیک نیست. فردایش یکی از آقایان گفتند این مطلبی که شما می‌گویید آقای صدر در بحوث هم فرموده‌اند؛ «**ان لوح الواقع اوسع من لوح الوجود**[1]». من خیلی خوشحال شدم و بعد هم دیدم در بحوث در ده مورد این را گفته‌اند.

از آن جلسه به بعد به جای اینکه بگویم من این را می‌گویم به گردن ایشان می‌گذاشتم و می‌گفتم ایشان در بحوث این را می‌فرمایند برای اینکه ذهن ما موافق فرمایش ایشان بود و جلو می‌رفت.

---

[1] فإن قيل: ان قيام الحيثية المشتركة بكل فرد بخصوصه غير معقول أيضا، لأن الأفراد بخصوصياتها متباينات فيلزم من قيام تلك الحيثية بكل واحد منها صدور الواحد بالنوع من الكثير بالنوع بما هو كذلك.

كان الجواب: ما تقدم من أنه لا مجال لتطبيق مثل هذه القاعدة في أمثال المقام مما لم يكن قيام الحيثية المشتركة فيه بالفرد من سنخ قيام المعلول بالعلة على نحو التأثير و الإيجاد، و إلا فما ذا يقال عن الحيثية المشتركة المصححة لانتزاع مفهوم الشيء، فهل هي قائمة بالإنسان بخصوصه و بالماء بخصوصه مثلا أو قائمة بالقدر المشترك بينهما؟

لا سبيل إلى الثاني، لأن ما به امتياز أحدها على الآخر شيء أيضا بلا إشكال. و عليه، فقيام حيثية مشتركة واحدة في لوح الواقع بأمور كثيرة بما هي كثيرة و متمايزة ليس فيه محذور **لأن لوح الواقع** الذّي هو **أوسع من لوح الوجود** ليس بابه باب التأثير و الإيجاد فليست ماهيات الإنسان و الحصان و الطير علل للإمكان على حد العلية في عالم الوجود لتطبق قاعدة ان الواحد لا يصدر إلا من واحد لاستكشاف قيام الإمكان بالجامع بين تلك الماهيات.(بحوث في علم الأصول، ج1، ص: ۹۱-۹۲)

و منه يظهر: انّ الإشكال الثالث و هو إنكار الوجود الرابط الخارجي لا يضرّ بالمدعى علاوة على أنّه خلاف التحقيق، إذ لو أريد إنكار ثبوت وجود ثالث خارجاً على وجود المنتسبين فهو صحيح لكنّه ليس هو المراد بالوجود الرابط. و إن أريد إنكار ثبوت واقعية ثالثة في الخارج وراء واقعية المنتسبين فهو غير صحيح، لوضوح انّ **هناك أمراً واقعياً ثابتاً في لوح الواقع الذّي هو أوسع من لوح الوجود** نفتقده عند ما نفترض اناراً و موقداً غير منتسبين و هذه الواقعية هي منشأ انتزاع مثل عنوان الظرفية أو المظروفية و هي منشأ واقعيتهما لو قيل بأنّهما من الأمور الواقعية لا الاعتباريّة.(بحوث في علم الأصول / ج1 / 248 / توضيح المقصود من الوجود الرابط ..... ص : ۲۴۷)

این عبارت بیش از بیست بار در کتاب بحوث شهید صدر تکرار شده است.برای مشاهده ی سایر موارد به سایت فدکیه، صفحه «عبارات کتب فلسفی و کلامی در مورد نفس الامر» مراجعه فرمایید.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مارس 2025 12:50:09 ظهر ... .
به روزرسانی شده 25 مارس 2025 12:56:59 ظهر ... .